

## فارسی دوازدهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
تایش	۳۳۸
یکم	۳۴۴
دوم	۳۵۸
سوم	۳۶۹
پنجم	۳۷۸
ششم	۳۸۸
هفتم	۴۰۱
هشتم	۴۱۳
نهم	۴۲۵
دهم	۴۳۷
یازدهم	۴۴۶
دوازدهم	۴۵۵
سیزدهم	۴۶۷
چهاردهم	۴۷۶
شانزدهم	۴۸۹
بفدبم	۵۰۲
بجدبم	۵۰۸
نیایش	۵۱۶

## فارسی یازدهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
تایش	۱۶۸
یکم	۱۷۴
دوم	۱۸۴
سوم	۱۹۶
پنجم	۲۰۵
ششم	۲۱۴
هفتم	۲۲۵
هشتم	۲۳۷
نهم	۲۴۹
دهم	۲۶۱
یازدهم	۲۶۸
دوازدهم	۲۷۶
چهاردهم	۲۸۸
پانزدهم	۲۹۷
شانزدهم	۳۰۸
بفدبم	۳۱۷
بجدبم	۳۲۵
نیایش	۳۳۲

## فارسی دهم

درس	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
تایش	۱۲
یکم	۱۷
دوم	۲۷
سوم	۳۷
پنجم	۴۶
ششم	۵۴
هفتم	۶۳
هشتم	۷۴
نهم	۸۳
دهم	۹۲
یازدهم	۹۹
دوازدهم	۱۰۷
سیزدهم	۱۱۶
چهاردهم	۱۲۶
شانزدهم	۱۳۶
بفدبم	۱۴۶
بجدبم	۱۵۳
نیایش	۱۶۲

# سفر به بصره

## تلف و املا

۲۱۲- «شایستگی - جامه‌دان - آسودگی - بسیاریان» به ترتیب، معانی کدام واژه‌ها است؟

- (۱) فضل - پلاس - فراغ - فاضل  
 (۲) اهلیت - پلاس - فراق - ادیب  
 (۳) اهلیت - خورجینک - فراغ - ادیب  
 (۴) فضل - خورجینک - فراق - فاضل

۲۱۳- «دلّاک - شوخ - کرای - فرج» به ترتیب، چه معنایی دارند؟

- (۱) کیسه‌کش حتم - آلودگی - کرایه - گشایش  
 (۲) مشت‌ومال‌دهنده - چرک - کرایه‌کننده - رهایی  
 (۳) مشت‌ومال‌دهنده - چرک - کرایه - کلید  
 (۴) گرمابه‌بان - آلودگی - کرایه - گشایش

۲۱۴- در همهٔ گزینه‌ها، معنای واژهٔ مشخص‌شده، با توجه به عبارت، صحیح است: به جز گزینهٔ .....

- (۱) وی را مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومنظر و متواضع دیدم. (خوش‌چهره)  
 (۲) وزیر ملک اهواز، مردی اهل بود و فضل داشت از شعر و ادب. (احسان)  
 (۳) درحال، سی دینار فرستاد که این را به بهای تن جامه بدهید. (بی‌درنگ)  
 (۴) چندان که ما در حتم شدیم، دلّاک و قیّم درآمدند. (کیسه‌کش حتم)

۲۱۵- «چارپایان - کسی که ظاهری آشفته دارد - جوانمردی» به ترتیب، معانی واژگان گزینهٔ ..... است.

- (۱) ستوران - عارف - مرمت  
 (۲) غوکان - شوریده - مروت  
 (۳) بلبان - درویش - مرمت  
 (۴) بهایم - شوریده - مروت

۲۱۶- «بهمیمه - تسبیح - غوک - بیشه» به ترتیب، یعنی .....

- (۱) چارپا - لا اله الا الله گفتن - قورباغه - جنگل کوچک  
 (۲) ستور - خدا را به پاکی یادکردن - قورباغه - نیاز  
 (۳) ستور - خدا را به پاکی یادکردن - کبک - نیاز  
 (۴) چارپا - سبحان الله گفتن - قورباغه - بیابان

۲۱۷- چند مورد از واژه‌های ذکرشده در گروه «الف»، با توجه به معنای ذکرشده در گروه «ب»، به ترتیب نادرست معنا شده‌اند؟

- الف) گسیل کردن - فراغ - تازی - مرمت - پلاس - مغربی - مکاری - دین  
 ب) روانه کردن - آسایش - عرب - دادوستد - نوعی گلیم کم‌بها - اعرابی - کرایه‌کردن اسب و شتر و الاغ - وام  
 (۱) چهار (۲) دو (۳) سه (۴) یک

۲۱۸- معنی چند واژه صحیح است؟

- (ادیب: دانشمند) - (قیّم: سرپرست) - (رقعه: جامه) - (پلاس: جامه‌ای پشمینه و ستبر که درویشان پوشند) - (جَلّ جَلالُه و عَمّ نوالُه: بزرگ است لطف او و فراگیر است شکوه او) - (رمه: گله) - (خورجینک: کیسه‌ای که معمولاً از پشم درست می‌کنند و شامل دو جیب است) - (نیکومنظر: زیبارو) - (درحال: فوراً)

- (۱) هشت (۲) هفت (۳) شش (۴) پنج

۲۱۹- کدام گزینه برای تکمیل کلمات زیر، مناسب است؟

- «گفتم اکنون ما را که در حتم گ... ارد؟ رقعهای نوشتیم و ع... ری خواستم تا چون بر رقعۀ من اطلّ... یابد، قیا... کند که مرا اهلیت چیست. مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومن... دیدم. ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد؛ چنان که در کرامت و فرا... به پارس رسیدیم.»  
 (۱) ذ - ع - س - ض - ظ - غ (۲) ز - ز - ع - ث - ض - ظ - غ (۳) ذ - ذ - ع - س - ض - ض - ق (۴) ز - ز - ع - ث - ظ - ض - ق

۲۲۰- در کدام عبارت غلط املائی یافت می‌شود؟

- (۱) خداوند داند که مرا در چنین کارها غرض نیست جز صلاح هر دو جانب نگاه‌داشتن.  
 (۲) شاید بود که کسی را برای فراغ اهل و فرزندان به جمع مال حاجت افتد.  
 (۳) از قضا عفو و عذر خواست و به حج رفت و حج گذارد و مدتی در عراق بماند.  
 (۴) یکی از ملوک آن نواحی در خُفیه رقعهای نوشت.

۲۲۱- در چند عبارت، واژگان انتخاب شده از نظر املائی درست است؟

- (الف) یکی از فضلا تعلیم ملک زاده‌ای همی کردی و ضرب بی‌محابا زدی و زجر بی ..... نمودی. (قیاس - غیاب)  
 (ب) آن‌گاه آگاه شدند که کشتی غرقه خواست شد. بانگ و هراز و غریو ..... . (خواست - خاست)  
 (ج) ماری به خدمت گوکی راضی گشت چون صلاح حال و ..... وقت در آن دید. (فراق - فراغ)  
 (د) هر که از این چهار خصلت، یکی را مهمل ..... روزگار حجاب مناقشت پیش مرادهای او بدارد. (گذارد - گزارد)  
 (ه) اگر خار در چشم خیره مستبد افتد، در بیرون آوردن غفلت ورزد و آن را ..... دارد، بی‌شک کور شود. (خوار - خار)  
 (و) درویش چون کار خلق بر ..... خویش رجحان نهد، وی را قلیل همت گیرند و او را به تعلل در گزاردن شکر نعمت متهم گردانند. (خاسته - خواسته)
- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۲۲- همهٔ ابیات فاقد غلط املائی‌اند؛ به جز .....

- (۱) هر زمان گویم ز داغ عشق و تیمار فراق  
 (۲) تو را نفسی رعنا چو سرکش سطور  
 (۳) ننگجد گرم‌های حق در قیاس  
 (۴) بهایم به روی اندر افتاده خوار

۲۲۳- در کدام گزینه، املائی همهٔ کلمات درست است؟

- (۱) قالب شعر - اهلیت و لیاقت - تبارک و تعالی - دین و غرض - تغییر و تحوّل  
 (۲) زبان تازی - تسبیح سبحان - عذرخواستن - فاضل و متواضع - رُقعہ و نامه  
 (۳) پلاس ستبر - کرامت و فراغ - جامع و لباس - دلّاک و قتیّم - اعرابی و مغربی  
 (۴) مدهوش و غافل - گوک و قورباغه - برهنگی و عاجزی - بهیمه و ستور - مسلخ حتمّام

مربی ۲۲۴- منظور ناصر خسرو از واژهٔ «اهلیت» در عبارت زیر کدام گزینه است؟

(بیست و هفتمین المپیار ادبی)

«گفتم همانا او را تصوّر شود که مرا در فضل مرتبه‌ای است زیادت. تا چون بر رُقعۀ من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست.»

- (۱) کیاست (۲) لیاقت (۳) سیادت (۴) فراست

مربی ۲۲۵- معنای «فضل» در کدام بیت با معنای آن در عبارت زیر یکسان است؟

«پس مرا در آن حال با مردی پارسی که هم از اهل فضل بود، آشنایی افتاده بود.»

- (۱) قاصدی بفرست کاخبارش کند  
 (۲) ز فضلش هر دو عالم گشت روشن  
 (۳) بگریست چشم دشمن من بر حدیث من  
 (۴) فضل و هنر ضایع است تا نمایند

مربی ۲۲۶- کلمات کدام گزینه، همگی هم‌خانواده نیستند؟

- (۱) انعام - مُنعم - تنعم (۲) اکرام - مکرم - کرامت (۳) مفسّر - فراست - تفسیر (۴) عذاب - تعذیب - معذّب

مربی ۲۲۷- کدام واژهٔ مشخص شده با توجّه به عبارت، نادرست معنا شده است؟

- (۱) چون از در، دررفتیم، هر که آن‌جا بودند، همه بر پای خاستند. (وارد شدید)  
 (۲) شوخ از خود باز کنیم. (پاک کنیم)  
 (۳) مردی ادیب و فاضل و متواضع دیدم. ما را به نزد خویش بازگرفت. (نپذیرفت)  
 (۴) هر که در مسلّخ گرمابه بود، همه بر پای خاسته بودند. (رختکن)

مربی ۲۲۸- در کدام گزینه معنای برخی از واژگان نادرست است؟

- (۱) (حتمّامی: گرمابه‌بان) - (ملک: شاه) - (ستبر: ضخیم) - (انعام: عطا و بخشش)  
 (۲) (نوال: لطف) - (ماننده: شبیه) - (مدهوش: سرگشته) - (تن‌جامه: لباس)  
 (۳) (کرامت: بزرگی) - (غرض: دین) - (اعرابی: عرب بادیه‌نشین) - (درمک: دینار کم‌ارزش)  
 (۴) (اندرماندن: عاجز شدن) - (فضل: دانش و معرفت) - (خجل: شرمگین) - (عزّ و جلّ: عزیز است و بزرگ)

مربی ۲۲۹- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ..... معنای هر دو واژهٔ مشخص شده با توجّه به عبارت، صحیح است.

- (۱) این مرد پارسی را با وزیر صحبتي بودی و دست‌تنگ بود و وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند. (دوستی و معاشرت - توانایی مالی)  
 (۲) وزیر ملّک اهواز، مردی اهل بود و فضل داشت از شعر و ادب. چون بشنید، مردی را با اسبی نزدیک من فرستاد که «چنان‌که هستی برنشین و نزدیک من آی». (برتری و کمال - سوار شو)  
 (۳) روز سیوم به مجلس وزیر شدیم. مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومنظر و متواضع دیدم. (رفتیم - شایسته)  
 (۴) این فصل بدان آوردم تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار پیش آید، نباید نالید و از فضل کردگار، ناامید نباید شد. (سختی و تنگنا - معرفت و دانایی)



## قرابت معنایی

۱۷۵۲- نگاه به عشق در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) دریاب که مبتلای عشقم
- ۲) گویند ز عشق کن جدایی
- ۳) برورده عشق شد سرشتم
- ۴) کز عشق به غایتی رسانم

(بیست و یکمین المپیاد ادبی)

آزاد کن از بلای عشقم  
این نیست طریق آشنایی  
جز عشق مباد سرنوشتم  
کاو ماند اگرچه من نامم

۱۷۵۳- بیت «چون رایت عشق آن جهان گیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر» با مفهوم کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) چون حسن تو عشق من جهان گیر
- ۲) موبک عشق، جهان تا به جهان خواهد تاخت
- ۳) ای خوبتر از لیلی بیم است که چون مجنون
- ۴) هر چه گویی آخری دارد به غیر از حرف عشق

چون زلف تو بخت من نگویند  
رایت عقل به یک گام نگون خواهد شد (موبک: سپاه)  
عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم  
کاین همه گفتند و آخر نیست این افسانه را

(بیست و چهارمین المپیاد ادبی)

۱۷۵۴- مفهوم کدام گزینه با بیت زیر قرابت دارد؟

- ۱) «دریاب که مبتلای عشقم
- ۲) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد
- ۳) چشمش بلای مستان ما را از او نترسان
- ۴) رحمت کن و در پناهام آور
- ۵) در حلقه عشق جان فروشم

آزاد کن از بلای عشقم  
پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن  
من مستم و نترسم از چوب شحنگانش (شحنه: نگهبان)  
زین شیفتگی به راهم آور  
بی حلقه او مباد گوشم

۱۷۵۵- مفهوم کدام گزینه به مفهوم بیت «برداشته دل ز کار او بخت / درماند پدر به کار او سخت» نزدیک تر است؟

- ۱) آن دل شده خاکی کز عشق زمین بود
- ۲) گنج عشق تو نهان شد در دل ویران ما
- ۳) مرض عشق مرا عرضه مده پیش طبیب
- ۴) نه تاب وصل دارد و نه طاقت فراق

در دولت تو بنهد بر پشت فلک زینی  
می زند زان شعله دایم آتشی در جان ما  
که به درمان من سوخته دل درماند  
درمانده ام به دست دل ناصبور خویش

۱۷۵۶- مفهوم بیت «خویشان همه در نیاز با او / هر یک شده چاره ساز با او» در کدام بیت تکرار شده است؟

- ۱) درد دل عاشق را عیسی نکند چاره
- ۲) اگر بیگانه گر محرم دلش می سوزد از دردم
- ۳) پیوسته دلم ز نیش خویشان ریش است
- ۴) اسیر عشق شدن چاره خلاص من است

درمان ندهد سودی سودای محبت را  
کسی سویم نمی بیند که چشمی تر نمی سازد  
پر جور و جفا و غصه و تشویش است  
ضمیر عاقبت اندیش پیش بینان بین

۱۷۵۷- بیت «گو یا رب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) تنم فرسود و عقلم رفت و عشقم هم چنان باقی
- ۲) خلاص بخش خدایا همه اسیران را
- ۳) چون کنم من تارهایی باشدم؟
- ۴) ز درد عشق تو امید رستگاری نیست

وگر جانم دریغ آید نه مشتاقم که کدآبم  
مگر کسی که اسیر کمند زیبایی است  
زین چنین بندی جدایی باشدم؟  
گریختن نتوانند بندگان به داغ ( = ) داغ زده شده

۱۷۵۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) عشق است هر دم افزون گویی که هر چه ما را
- ۲) عمر من چو بد به عمر او فزایی ای سپهر
- ۳) دو روز باقی عمرم فدای جان تو باد
- ۴) اگر عمرم نموده است ای صنم بادا بقای تو

از عمر می شود کم در عشق می فزاید  
تا حیات و جان فدا سازم نگار خویش را  
اگر بگاهی و بر عمر خود بیفزایی  
وگر مانده است بر عمر تو فزاید خدای من

۱۷۵۹- کدام گزینه با بیت «مجنون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست پس بخندید» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) بگرید ابر هر ساعت به سان دیده عاشق
- ۲) ماتمت سوز باشد اندر خواب
- ۳) با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام
- ۴) گریه و خنده آهسته و پیوسته من

بخندد هر زمانی باغ همچون چهره دلبر  
گریه شادی و خنده غم، دریاب  
نی گرت زخمی رسد آبی چو چنگ اندر خروش  
همچو شمع سحر آمیخته با یکدگر است

**۱۷۶۰- بیت «گویند ز عشق کن جدایی / این نیست طریق آشنایی» با کدام گزینه ارتباط مفهومی دارد؟**

- ۱) نه راه است این که بگذاری مرا بر خاک و بگریزی
- ۲) اگر مراد نصیحت‌کنان ما این است
- ۳) عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت
- ۴) ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی

- گذاری آر و بازم پرس تا خاک رهت گردم
- که ترک دوست بگویم تصویری است محال
- همه سهل است تحتل نکنم بار جدایی
- چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی

**۱۷۶۱- کدام گزینه با بیت «از عمر من آن چه هست بر جای / بستان و به عمر لیلی افزای» از نظر مفهوم متناسب است؟**

- ۱) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
- ۲) مست و خرابم تا ابد نی دل شناسم نی خرد
- ۳) در دار فنا «سید» از عشق اگر جان داد
- ۴) کمال عشق من و حسن بی‌نهایت او

- ثبت است بر جریده عالم دوام ما (جریده: دفتر)
- کاندر خرابیات ازل نوشیده‌ام پیمانهای
- جاننش ز خدا جوید پیوسته بقای تو
- از آن چه خلق تصور کنند بیرون است

**۱۷۶۲- مفهوم کدام بیت با بیت «گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق تر از این کنم که هستم» همانند است؟**

- ۱) خاک درگاه تو چون باد بهاری مشک‌بوی
- ۲) بر هلال حال من خورشید مهت چون بتافت
- ۳) گر ای زاهد دعای خیر می‌گویی مرا این گو
- ۴) چون شدم مست از شراب عشق، عقم گو برو

- آتش عشق تو همچون آب حیوان جان‌افزای
- بدر خواهم شد که افزون می‌شود نورم هنوز
- که آن آواره از کوی بتان آواره‌تر بادا
- گر فروشت آب حیوان نقش دیواری چه شد؟

**۱۷۶۳- مفهوم بیت «بندی عشق تو نیابد خلاص / غرقه عشق تو نبیند کران» با مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟**

- ۱) بسیار کس شدند اسیر کمند عشق
- ۲) «خواجه» که غرقه آمد در ورطه جدایی
- ۳) گفتم از ورطه عشقش به صبوری به در آیم
- ۴) ملامت‌گوی عاشق را چه گوید مردم دانا

- تنها نه از برای من این شور و شر فتاد
- بر ساحل وصال تبیند به خواب منزل
- باز می‌بینم و دریا نه پدید است کرانش
- که حال غرقه در دریا نداند خفته بر ساحل

**۱۷۶۴- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت «پرورده عشق شد سرشتم / جز عشق مباد سرنوشتم» متناسب‌تر است؟**

- ۱) جز این نیستم چاره‌ای در سرشت
- ۲) سرنوشت عشق از پیشانی من روشن است
- ۳) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند
- ۴) راهی است راه عشق که هیچ‌س کناره نیست

- که سر برنگردانم از سرنوشت
- چون توان با آب گفتن عکس را مستور کن؟
- تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود
- آن‌جا جز آن‌که جان بسپارند چاره نیست

**۱۷۶۵- کدام دو بیت با یکدیگر قرابت معنایی ندارند؟**

- ۱) بسا عقل زورآور چیردست
- ۲) من قوت ز عشق می‌پذیرم
- ۳) گو یا رب از این گزاف‌کاری
- ۴) عاشق ز نهیب جان نترسد

- که سودای عشقش کند زبردست
- بگذار که که دل حل بکند مسئله‌ها را
- گر میرد عشق من بمیرم
- جز عشق مباد سرنوشتم
- توفیق دهیم به رستگاری
- زین شیفتگی به راهم آور
- جانان‌طلب از جهان نترسد
- عاشق‌تر ازین کنم که هستم

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

**۱۷۶۶- همه گزینه‌ها، به‌استثنای گزینه ..... با بیت «یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش / بگذار که دل کند این مسئله‌ها را»**

تناسب مفهومی دارند.

- ۱) عشق دعوی کرده بودم عاقلی بشنود و گفت
- ۲) حالم ز عاشقان پرس، تا با تو باز گویند
- ۳) «سعدی» اگر عاقلی عشق طریق تو نیست
- ۴) ما را ز منع عقل مترسان و می بیار

- تو چه مرد عشقی ای نادان، بدان مقدار خویش
- از عاقلان چه پرس عاقل مرا چه دانند؟
- با کف زورآم‌ای، پنجه نشاید فکند
- کاین شحنه در ولایت ما هیچ‌کاره نیست

**۱۷۶۷- مفهوم بیت «دانست که دل اسیر دارد / دردی نه دواپذیر دارد» با مفهوم کدام گزینه متناسب است؟**

- ۱) ز آستین طبیبان هزار خون بچکد
- ۲) طبیب دردمندان خوانمت ای عشق کز رحمت
- ۳) به زخم عشق اوسازم که زخمش مرهم جان است
- ۴) دوی درد عاشق را کسی کاو سهل پندارد

- گرم به تجربه دستی نهند بر دل ریش
- همان دردی که دادی عاقبت درمان من کردی
- به داغ درد او سازم که درد اوست درمانم
- ز فکر، آنان که در تدبیر درمان‌اند درمانند

۳۳۷۰- معنای «آمدن» در کدام بیت با معنای این واژه در عبارت زیر یکسان نیست؟

«عشق، بنده را به خدا رساند؛ پس عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.»

- (۱) گریه آبی به رخ سوختگان بازآورد  
 (۲) هر وعده و هر قول که کرد این فلک و گفت  
 (۳) ز فکر تفرقه بازآی تا شوی مجموع  
 (۴) عشق تو نهال حیرت آمد  
 ناله فریادرس عاشق مسکین آمد  
 آن وعده خلاف آمد و آن قول، مزور  
 به حکم آن که چو شد اهرمن سروش آمد  
 وصل تو کمال حیرت آمد

۳۳۷۱- جمله «تنوع آثار، تفاوت مکاتب و سبک‌ها و انواع ادبی، اختلاف ذوق و پسند مخاطبان، انتخاب را مشکل می‌سازد.» مطابق با کدام

«ساختار» است؟

- (۱) نهاد + مفعول + فعل  
 (۲) نهاد + مفعول + مسند + فعل  
 (۳) نهاد + مفعول + متمم + فعل  
 (۴) نهاد + متمم + مسند + فعل

۳۳۷۲- نقش دستوری کدام واژه به درستی تعیین نشده است؟

- (۱) از نظر فردوسی «دهقانان» زیر منت کسی نیستند بلکه جهان آبادانی خویش را مدیون ایشان است. (نهاد)  
 (۲) در مواجهه با شعر پارسی نباید مقتضیات و مناسبات عصر پدرسالاری را از یاد ببریم. (صفت)  
 (۳) مطابق شاهنامه چیزی به نام خلوص نژادی معیار شایستگی فرد به حساب نمی‌آید. (مسند)  
 (۴) برخی سبک‌های نوذر به یکی از دو فرزند او یعنی طوس رسیده است. (متمم)

۳۳۷۳- در عبارت «حیرت در امر جهان و ندانستن راز او، چون و چرا در کار خلقت، ناپایداری و بی سر و پا بودن جهان و ... مضامین اصلی

شاعر خیامی خوانده می‌شود.» کدام نقش دستوری دیده نمی‌شود؟

- (۱) متمم (۲) مسند (۳) نهاد (۴) مفعول

۳۳۷۴- در متن «او بنده خود را عاشق خود کند، آن‌گاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی، و ما معشوق و حبيب

توایم.» چند فعل «اسنادی» وجود دارد؟

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

(ریاضی ۸۷+)

۳۳۷۵- کدام جمله «مفعول» و «مسند» دارد؟

- (۱) فاصله اجزای کلمه مرگب و وندی - مرگب، به اندازه فاصله حرف‌های یک کلمه است.  
 (۲) مغولان با همه تباکاری‌ها و ویرانگری‌های خود در قلمرو تاریخ، خویش را از زبان فارسی بی‌نیاز ندیدند.  
 (۳) نویسنده علاوه بر رعایت نکات فنی و به دور از تعصب و غرض‌ورزی، در پژوهش‌های تاریخی همواره به واقعیات تکیه دارد.  
 (۴) در بعضی زندگی‌نامه‌ها، نویسنده براساس مستندات و واقعیتهای موجود، زندگی یکی از بزرگان را در قالب ماجرا می‌نویسد.

(هنر ۸۸+)

۳۳۷۶- عبارت زیر از جهت الگوی ساخت، با کدام عبارت هماهنگ است؟

«خداوند خود را دوستدار محسنین و تحقیرکننده منافقین می‌داند.»

- (۱) این مایه شفقت و مهربانی و خاکساری، دوستان و دشمنان او را به اعجاب و تسلیم وامی‌داشت.  
 (۲) ترجمه در سنت فرهنگی گذشته و حال ما نقش مهمی داشته است.  
 (۳) آثاری با ماهیت داستانی و تخیلی را ادبیات داستانی می‌گویند.  
 (۴) ادبیات داستانی، ما را در بازشناخت ادب و فرهنگ و تأثیرپذیری آن از فرهنگ اروپایی در سده اخیر یاری خواهد کرد.

(ریاضی ۹۳+)

۳۳۷۷- تمام جمله‌ها، به استثنای جمله ..... «مفعول» و «مسند» دارند.

- (۱) شیخ نیشابور عمق فکر و قدرت بیان مولانا را شایسته تحسین دید.  
 (۲) شیخ، کودک نورسیده بهاء ولد را انسانی برتر از انسان‌های عادی یافت.  
 (۳) در دیدار میان آن دو، مولانا، عطار را با پدر خویش تقریباً همسان یافت.  
 (۴) شیخ نیشابور در میان همه عارفان سرشناس، تنها آن کودک نورسیده را دید.

(ریاضی ۸۸+)

۳۳۷۸- اجزای سازنده جمله زیر، کدام است؟

«بی‌سوادی، عادت مطالعه نداشتن و فقدان نویسنده و ناشر، عوامل اصلی فقر و قحطی کتاب به شمار می‌رود.»

- (۱) نهاد - متمم - فعل (۲) نهاد - مسند - فعل (۳) نهاد - متمم - مسند - فعل (۴) نهاد - مفعول - مسند - فعل

(تهرنی ۸۹+)

۳۳۷۹- در کدام گزینه، فعل جمله به هر دو نقش «مفعول» و «مسند» نیاز دارد؟

- (۱) نویسندگان بزرگ، ابوالفرج رونی، سید حسن غزنوی، سعدی، مولوی و عده‌ای دیگر را از نمایندگان سبک عراقی به شمار می‌آورند.  
 (۲) از جمله نمایندگان سبک خراسانی، رودکی، شهید بلخی، دقیقی، فرّخی سیستانی، عنصری و منوچهری دامغانی را می‌توان نام برد.  
 (۳) هدف فردوسی از تدوین شاهنامه، گذشته از احیای زبان فارسی، تقویت روحیه مبارزه‌جویی با بیگانگان و مقاومت در برابر دشمنان بوده است.  
 (۴) بعد از دهخدا برخی از شاعران معاصر او از قبیل ملک‌الشعراى بهار و ابوالقاسم لاهوتی و دیگر شاعران متجدد به ساختن دوبیتی‌های

پیوسته، پرداختند.

۳۳۸۰- در متن «به این زندگی گذرا آن قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد و در نظرش اگر یک روی زندگی زشت می‌شد، روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد.» کدام واژه‌ها در نقش «مسند» هستند؟  
 (۱) فاجعه‌ای - روی دیگری (۲) زشت - روی دیگری (۳) زشت - پناه (۴) فاجعه‌ای - زشت

۳۳۸۱- با توجه به عبارت «خطی را که ایرانیان در عصر اشکانی و ساسانی به کار می‌بردند و تا چند قرن بعد از اسلام هم در گوشه و کنار ولایات شرقی ایران برای نگارش آثار فکری و فلسفی مربوط به آیین‌های پیش از اسلام به کار می‌رفته است، خط پهلوی می‌نامند.» الگوی ساخت جمله پایه (☐ هسته) کدام است؟  
 (تهری ۸۴+)

- (۱) نهاد + مسند + فعل  
 (۲) نهاد + مفعول + فعل  
 (۳) نهاد + مفعول + مسند + فعل  
 (۴) نهاد + مفعول + متمم + فعل

۳۳۸۲- در عبارت زیر، چند «مسند» وجود دارد و گروه‌هایی که در نقش «مسند» هستند، در کدام گزینه آمده‌اند؟  
 «شعر غنایی را می‌توان شعر توصیفی هم خواند، چنان‌که به شعر حماسی، روایی می‌گویند و غننامه و شادی‌نامه را نمایشی می‌خوانند و لذا در آن بیشتر با عمل مواجهیم.»

- (۱) چهار - شعر توصیفی، روایی، نمایشی، مواجه  
 (۲) سه - توصیفی، روایی، نمایشی  
 (۳) چهار - شعر توصیفی، روایی، نمایشی، بیشتر  
 (۴) سه - شعر توصیفی، نمایشی، مواجه

۳۳۸۳- در همهٔ مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به جز .....  
 (۱) درون فروماندگان شاد کن  
 (۲) خداوند زر بر کند چشم دیو  
 (۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروران  
 (۴) مژگان تو دل را هدف تیر بلا ساخت  
 (تهری ۹۸)

۳۳۸۴- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟  
 «سخن‌چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک‌مرد سلیم»  
 (۱) نهاد - مسند - متمم - مفعول  
 (۲) مسند - قید - نهاد - مفعول  
 (۳) مسند - قید - نهاد - مفعول  
 (۴) نهاد - مسند - مفعول - مفعول

۳۳۸۵- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه ..... فعل ساخته شده از مصدر «خواندن» به «مفعول» و «مسند» نیاز دارد.  
 (۱) خویش را از جهل می‌خوانی دلیر  
 (۲) هر لحظه مہا پیش خودم می‌خوانی  
 (۳) تو را از آستان خود براندند  
 (۴) به جمشید بر گوهر افشانند  
 (زبان ۹۸)

۳۳۸۶- از بین واژه‌های مشخص شده، کدام واژه نقش دستوری متفاوتی دارد؟  
 (۱) هر که بازآید ز در پندارم اوست  
 (۲) به کرم پیله می‌ماند دل من  
 (۳) گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست  
 (۴) اگر یاری اندک زل (☐) لغزش) داندم  
 (انسانی ۹۸)

۳۳۸۷- الگوی (نهاد + مفعول + مسند + فعل) در کدام بیت، یافت می‌شود؟  
 (۱) بدین دو دیدهٔ حیران من هزار افسوس  
 (۲) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل  
 (۳) دیدن روی تو را دیدهٔ جان‌بین باید  
 (۴) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک  
 (عمومی قارچ ۹۸)

۳۳۸۸- نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟  
 «گر نسازد یوسفی هر روز گردون جلوه‌گر تا قیامت خلق را آن حسن روزافزون بس است»  
 (۱) مفعول - مسند - قید - مفعول  
 (۲) مفعول - نهاد - مسند - متمم  
 (۳) مفعول - نهاد - مسند - متمم  
 (۴) نهاد - مفعول - مسند - مفعول

۳۳۸۹- جملهٔ پایانی کدام بیت فاقد «مسند» است؟  
 (۱) کرد حلاجی کمان دارِ عبرت، پنبه‌اش  
 (۲) تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است  
 (۳) از شکار لاغرم فریه نشد پهلوی دام  
 (۴) در زبان هیچ کس زخم زبان نگذاشتم  
 (تهری ۸۴+)

۳۸۲۱- در منظومه زیر کدام آرایه به کار نرفته است؟

«نمرودیان همیشه به کارند / تا هیمه‌ای به حیطة آتش بیاورند / اما / ما را از آزمایش آتش هراس نیست / ما بارش همیشه باران کینه را / با چترهای ساده عریانی / احساس کرده‌ایم / ما را به جز برهنگی خود لباس نیست»

(۱) تشخیص (۲) تلمیح (۳) تشبیه (۴) تناقض

۳۸۲۲- در کدام گزینه آرایه «اسلوب معادله» دیده نمی‌شود؟

(بیست و هفتمین المپیاد ادبی)

(۱) راز ما از پرده دل عاقبت بیرون فتاد  
(۲) در کنار خاک، عمر ما به خون خوردن گذشت  
(۳) حلقه در از درون خانه باشد بی‌خبر  
(۴) درنگیرد صحبت پیر و جوان با یکدیگر

غنچه بوی خویش را تسخیر نتوانست کرد  
مادر بی‌مهر، خون را شیر نتوانست کرد  
مطلب دل را زبان، تقریر نتوانست کرد  
با کمان یکدم مدارا تیر نتوانست کرد

(هنر ۷۸)

۳۸۲۳- واژه «دشت» در همه ابیات زیر، به جز بیت ..... دارای آرایه «مجاز» است.

(۱) یکی دشت با دیدگان پر ز خون  
(۲) نهادند بر دشت، هیزم دو کوه  
(۳) سواران لشکر برانگیختند  
(۴) سراسر همه دشت بریان شدند

که او تا کی آید ز آتش برون  
جهانی نظاره شده هم‌گروه  
همه دشت پیشش درم ریختند  
بر آن چهر خندانش گریان شدند

(تهری ۹۵)

۳۸۲۴- آرایه مقابل کدام بیت، نادرست است؟

(۱) به لطف اگر بخوری خون من روا باشد  
(۲) تو که زاهدی به پرهیز تو که عابدی سحرخیز  
(۳) بوی جان از لب خندان قدح می‌شوم  
(۴) چون مست می‌شوید ز شرب مدام دوست

به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست (حسن تعلیل)  
سر من مدام مست و شب من سحر ندارد (کنایه)  
بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری (استعاره)  
مستی بنده هم به دعا آرزو کنید (ایهام)

(انسائی ۹۸)

۳۸۲۵- در گزینه ..... آرایه «ایهام» وجود ندارد.

(۱) القصه وطن را به دو چشم نگران  
(۲) حیران دست و دشنه زیبات گشته‌ام  
(۳) عاقلان در پی لیلی‌صفتان مجنونند  
(۴) عاشق مفسلس اگر قلب دلش کرد نثار

رفتیم و سپردیم به هنگامه‌گران  
کاهنگ خون من چه دلاویز می‌کنی  
عاشقان بر لب شیرین‌سخنان فرهادند  
مکنش عیب که بر نقد روان قادر نیست

(انسائی ۹۸)

۳۸۲۶- آرایه‌های «اسلوب معادله - تلمیح - تشبیه - حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

(الف) وصل، هجران است اگر دل‌هاز یکدیگر جداست  
(ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد  
(ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار  
(د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید

هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است  
دارد اگر وجود، شراب شبانه است  
دود خشک شمع ریحان تر پروانه است  
ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است

(۱) ج - ب - الف - د (۲) ج - ب - د - الف (۳) د - ب - الف - ج (۴) د - ج - ب - الف

(ریاضی ۹۵)

۳۸۲۷- یکی از آرایه‌های کدام گزینه در بیت زیر موجود نیست؟

«چو آب آشفته جان بر کف دوانم تا کجا سروی  
به قد و قامت بینم روان در پای او ریزم»

(۱) استعاره - مراعات نظیر  
(۲) ایهام تناسب - حسن تعلیل  
(۳) تشبیه - تشخیص  
(۴) کنایه - جناس

(هنر ۹۷)

۳۸۲۸- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

«تو را که موی میان هم وجود و هم عدم است  
(۱) تلمیح - جناس - استعاره - مجاز  
(۲) تشبیه - پارادوکس - جناس - ایهام  
(۳) مجاز - تلمیح - تشبیه - ایهام  
(۴) تشبیه - پارادوکس - تلمیح - جناس

دو زلف افعی ضحاک و چهره جام جم است





۳۸۲۹- یکی از آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- (۱) صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست  
 (۲) عاشقان، مرغ و هوا عشق و جهان هست قفس  
 (۳) از زبان لعل لبش تلخی گفتار نبرد  
 (۴) دولت خواهی، مده از کف دامن فقر

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۳۸۳۰- کدام گزینه به ترتیب بیانگر آرایه‌های ابیات زیر است؟

- الف) تا کی دهیم جلوه دل زنگ‌بسته را؟  
 ب) عمر گذشته، آب ز جو رفته شد، کجاست  
 ج) شکایت‌نامه ما سنگ را در گریه اندازد  
 د) پیش‌تر زان که دهد خامه به دستش استاد
- (۱) کنایه - تشبیه - استعاره - حس آمیزی  
 (۲) هر کس شکست آینه ما به جا شکست  
 ساقی که بار دیگرش آرد به جوی ما؟  
 مهبیای گریستن شو، دگر مکتوب ما بگشا  
 الف قامت او مشق قیامت می‌کرد
- (۳) تلمیح - تشبیه - تشخیص - جناس  
 (۴) کنایه - تشبیه - تشخیص - تلمیح

۳۸۳۱- آرایه مشترک ابیات زیر چیست؟

- الف) به کنج عزلت از آنم نشسته چون عنقا (= سیمرغ)  
 ب) قسمت ما به جهان غیر پریشانی نیست  
 ج) جانم میان آتش هجران به باد رفت  
 د) نظیر قد تو جستم بسی نداد کسی
- (۱) مجاز  
 (۲) تشخیص  
 (۳) تضاد  
 (۴) تشبیه

موی ۳۸۳۲- در همه گزینه‌ها به استثنای گزینه ..... آرایه «اسلوب معادله» به کار رفته است.

- (۱) دوستی با ناتوانان مایه روشن‌دلی است  
 (۲) مستغنی از دلیل بود دل که آگه است  
 (۳) می‌زنی تیغ و ندانی که چه سان می‌گذرد  
 (۴) هر که امشب می‌نمی‌نوشد به ما منسوب نیست

موی ۳۸۳۳- آرایه‌های «اغراق - تناقض - استعاره - اسلوب معادله - جناس همسان» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

- الف) یک حرف صوفیانه بگویم، اجازت است؟  
 ب) نکرد زندگیم یک دم از فنا غافل  
 ج) گور اگر با پلنگ جوید جنگ  
 د) بی تو در گور آن چنان گریم که اشک  
 ه) می‌شود وحشت مجنون ز غزالان افزون
- (۱) د - ج - ه - الف - ب  
 (۲) ب - د - الف - ه - ج  
 (۳) ب - د - ه - الف - ج  
 (۴) د - ب - الف - ه - ج

موی ۳۸۳۴- هر دو آرایه نوشته شده در مقابل همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... کاملاً درست است.

- (۱) چمن شد از هجوم گل چنان تنگ  
 (۲) آب و آتش را به هم یک‌جای نتوان داشتن  
 (۳) ز شادی همه عالم شده است بیگانه  
 (۴) آن اطلس سیه که شب تار نام اوست
- که مرغان را برای ناله جا نیست (تشخیص - اغراق)  
 عشق چون زد خیمه در دل، جان ز تن بیرون نشست (اسلوب معادله - کنایه)  
 دلم که با غم تو گشت آشنا ای دوست (تناقض - تضاد)  
 تازی ز پرده در خلوت‌سرای ماست (جناس همسان - تشبیه)

موی ۳۸۳۵- پیشنهادهای کدام گزینه همگی درباره آرایه‌های بیت زیر درست است؟

- «خودنمایی شیوه من نیست چون دیوار باغ  
 جناس - اسلوب معادله - تضاد - تشخیص  
 تشبیه - تشخیص - کنایه - اسلوب معادله
- گل به دامن دارم اما خار بر سر می‌زنم»  
 (۲) استعاره - تضاد - واج‌آرایی - کنایه  
 (۴) حسن تعلیل - مراعات نظیر - جناس - کنایه

دستور زبان فارسی

۳۸۳۶- در کدام عبارت، یکی از جمله‌ها به «شیوه بلاغی» است؟

- (۱) دشمنی ضعیف که در طاعات آید و دوستی نماید مقصود وی جز این نیست که دشمنی قوی گردد.  
 (۲) استعداد، بی‌تربیت دریغ است و تربیت نامستعد، ضایع.  
 (۳) گفتم مذمت اینان روا مدار که خداوند کرم‌اند. گفت: غلط گفتمی که بنده درم‌اند.  
 (۴) یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت در قلب زمستان و او را ثنایی گفت.